

بازاندیشی آراء استاد مطهری (۱)

مطهری و اقتصاد

به اهتمام

دکتر حسن سبحانی

سرشناسه : سبحانی، حسن، ۱۳۳۲ -
 عنوان و نام پدیدآور : مطهری و اقتصاد
 مشخصات نشر : تهران: بنیاد علمی و فرهنگی علامه مرتضی مطهری، ۱۳۹۴.
 مشخصات ظاهری : ۲۴۰ ص.
 فروست : بازاندیشی آراء استاد مطهری؛ ۱
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۲۵۴-۴-۰
 وضعیت فهرست نویسی : فبیای مختصر
 یادداشت : فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nlai.ir>
 شناسه ورودی : بنیاد علمی و فرهنگی استاد شهید مرتضی مطهری
 شماره کتابشناسی ملی : ۳۸۱۴۵۱۵



بازاندیشی آراء استاد مطهری (۱)

مطهری و اقتصاد

به اهتمام دکتر حسن سبحانی

© حق چاپ: ۱۳۹۴، بنیاد علمی و فرهنگی استاد شهید مرتضی مطهری

ویراستار: زینب صالحی ساداتی

صفحه پردازی: گرافیک دیبا

گل روی جلد اثر استاد پرویز اسکندریور خرمی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۲۵۴-۴-۰

ISBN: 978-600-94254-4-0

شمارگان: ۷۰۰ نسخه

نشانی: تهران، خیابان دیباجی جنوبی، خیابان ستجایی، بین بست مریم، شماره ۴۴

قم، بلوار عطاران، بین کوچه ۸ و ۱۰ شماره ۱۳۴

تلفن: ۲۲۷۷۳۵۸۳ (۰۲۱) - ۳۲۹۳۵۸۷۰ (۰۲۵)

نمابر: ۳۲۹۳۵۶۹۱ (۰۲۵)

www.motahari.ir

info@motahari.ir

نوبت چاپ: اول

بها: ۱۲۰۰۰۰ ریال

سخن ناشر

استاد شهید مرتضی مطهری از برجسته‌ترین رهبران فکری انقلاب اسلامی است و بسیاری به درستی او را تأثیرگذارترین متفکر بر اندیشه دینی و اجتماعی ایران معاصر می‌دانند، و با این همه هنوز همه ابعاد افکار این شخصیت سترگ واکاوی نشده است. شهید مطهری هرچند وی بیش از هشتاد روز از ایام میل‌اندپیروزی انقلاب اسلامی را درک نکرده بود که به دست کوردلان به شهادت رسید، اما آثار و اندیشه‌های او محدود به نیازهای فکری دوران مبارزه نبود، بلکه ناظر به تبیین مبانی و زوایا نظری نظام اسلامی بود. از این منظر آراء و آثار وی در مسیر جامعه‌سازی دینی، محقق می‌تواند محل ارجاع و استناد واقع گردد.

چند سالی است بنیاد علمی و فرهنگی استاد شهید مرتضی مطهری با هدف پاسخ‌گویی به ضرورت تبیین اندیشه‌های استاد مطهری و نیز بررسی مبانی چندگیری‌های کلان جامعه‌سازی دینی، بازخوانی و بررسی آرای استاد مطهری در حوزه‌های مختلف از جمله اقتصاد، حدیث، فلسفه دین، فلسفه حقوق، تفسیر، آسیب‌شناسی فرهنگی و... را در دستور کار خود قرار داده است. شیوه کار در همه این مجموعه‌ها بدین ترتیب است که ابتدا همه مباحث مرتبط با هر یک از این موضوعات در آثار استاد مطهری استخراج گردیده و پس از دسته‌بندی در اختیار یکی از اساتید برجسته فن به عنوان مدیر علمی طرح قرار می‌گیرد. وی پس از استخراج موضوعات قابل توجه، هر کدام از موضوعات را به همراه منابع مرتبط در آثار استاد، برای نگارش مقاله به یکی از اساتید حوزه مربوطه می‌سپارد و تا انتهای کار بر این پژوهش‌ها نظارت می‌کند.

تبیین جهت‌گیری‌های اقتصادی اسلام یکی از موضوعات مورد توجه استاد مطهری بود که هرچند به تناسب زمان بسیاری از مباحث و بررسی‌های صورت گرفته توسط ایشان در گفتگو و مواجهه با مارکسیسم و سرمای‌هداری شکل گرفته بود، اما این مباحث به هیچ وجه جنبه انفعالی نداشت؛ بلکه روش استاد بر این مبنا استوار بود که نقد سایر مکاتب را به فرصتی برای بسط و تبیین معارف اسلامی تبدیل کند.

اولین پژوهش از این مجموعه که اینک تقدیم خوانندگان می‌گردد در موضوع مهم اقتصاد است. تأمل و بررسی آرای اقتصادی اندیشمندانی مانند استاد شهید مطهری، شهید محمدباقر صدر و شهید آیت‌الله بهشتی از آن‌رو اهمیت ویژه‌ای دارد که ضمن پرده‌برداری از تلاش‌های ایجابی متفکران اسلامی در تبیین ابعاد اجتماعی اسلام، ضرورت ابهام‌زدایی از مبانی نظری اقتصاد و جهت‌گیری‌های کلان اقتصادی را یادآوری می‌نماید، امری که مواجهه مستقیم با مشکلات و چالش‌های روزمره اقتصادی آن را تا حد زیادی به حاشیه رانده و سبب غفلت آنان شده است.

بخت با این مجموعه مقالات اقتصادی یار بود که محقق برجسته و استاد فرهیخته دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، جناب آقای دکتر حسن سبحانی، مدیریت علمی آن را به عهده بگیرند که بنیاد علمی و فرهنگی استاد مطهری صمیمانه از همکاری و الطاف ایشان سپاس‌گزاری می‌کند. همچنین اساتید محترمی که نگرارش مقاله برای این مجموعه را پذیرفتند بنیاد را مرهون منت خویش ساختند. از زحمات جناب آقای سید مهدی حسینی دولت‌آبادی که جست‌وجو و گردآوری و طبقه‌بندی مباحث اقتصادی موجود در آثار استاد مطهری را جهت ارائه به اساتید و پژوهشگران به انجام رسانید قدردانی به عمل می‌آید. پیشنهاد اولیه تهیه این مجموعه مقالات در اقتصاد و موضوعات سابق‌الذکر توسط جناب آقای دکتر احسان بابایی، که با بنیاد همکاری داشته و دارند ارائه گردید و بدون تلاش ایشان این مجموعه امروز جامه طبع نمی‌پوشید. از ایشان و همه کسانی که در این مسیر با بنیاد همکاری داشتند قدردانی می‌شود. امید است مقالات حاضر گامی مفید در مسیر تدوین مبانی نظری اقتصاد اسلامی، که جامعه امروز سخت بدان نیازمند است، بردارد.

بنیاد علمی و فرهنگی استاد شهید مرتضی مطهری

معاونت پژوهش

مقدمه/ ۹

بخش اول: درآمد و ثروت

عوامل ایجابی و سلبی حاکم بر درآمدهای مشروع

در اندیشه شهید مطهری ■ حسن آفانظری/ ۲۱

نسبت بین زهد و تولید ثروت ■ حسن سبحانی/ ۳۷

بخش دوم: نظام اقتصادی

بررسی تطبیقی نظام‌های اقتصادی

سرمایه‌داری، سوسیالیسم و اسلام ■ منصور زراعت‌زاد ■ احمد چهرقانی/ ۵۷

مالکیت ماشین ■ سید محمدجواد شریف‌زاده/ ۷۵

خاستگاه و اهداف ارزش و قیمت ■ یدالله دادگر/ ۹۳

بخش سوم: عدالت

نگرش سیستمی لازمه تحقق عدالت ■ محمد نعمتی ■ عبدالله صد کاشیان/ ۱۱۳

عدالت مبتنی بر حقوق طبیعی و اصل توازن ■ سید هادی عربی/ ۱۳۵

بازخوانی نظریه مساوات در اندیشه استاد مطهری ■ سید احسان خاندوزی/ ۱۶۱

بخش چهارم: ربا و فعالیت‌های بانکی

ماهیت ربا و اقتضائات تحقق آن ■ سید محمدکاظم رجایی ■ مهدی خطیبی/ ۱۸۵

بررسی فقهی فعالیت‌های بانکی ■ سید عباس موسویان ■ حسن بهاری قراملکی/ ۲۰۷

منابع/ ۲۳۷

مقدمه

۱- شرط ضروری در شستن و اظهار نظر منصفانه درباره افکار و آثار استاد شهید مرتضی مطهری ملاحظه شرایط اجتماعی ایران است. یعنی شرایطی که وی با حضور در جریان‌ها و با ادراک پدیده‌های آن دوران در مواجهه متوجع و متعددی تأمل کرده، چالش نموده و به گونه‌ای قلم زده که مخاطبان خود را از نوعی هم در معانی و اتخاذ طریقی در تغییر وضع موجود آن هم با جوهره آموزه‌های اسلام بهره مند نموده است.

جنگ سرد بین دو ابرقدرت آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی، سوسیالیستی که یکی با ابتناء بر لیبرالیسم و دیگری با ابتناء بر سوسیالیسم، داعیه رهبری جهان و مشغله گسترش قلمرو نفوذ فلسفی و عملی خود را داشتند، پیگیری انبوهی از شیفتگی و میل به رهایی از شرایط توسعه نیافتگی و نائل شدن به توسعه‌ای که رفاه و آسایش و امید از رجز لاینفک آن باشد - عمدتاً از سوی نخبگان و تحصیل کردگان دنیای توسعه نیافته و یا در حال توسعه و هزاران میلیون انسان مبتلا به فقر و تهی دستی - شرایطی را برای جوامع بشری دامن زده بود که بخشی از روشنفکران و مبارزان در جستجوی عدالت و در آرزوی غلبه بر ناداری و محرومیت، به مارکسیسم یا انواع سوسیالیسم گرایش می‌یافتند و عده دیگری که عمدتاً متأثر از سرزمین محل تحصیلات عالی خود در غرب بودند همچون غربی‌ها شدن را، کلید نجات از گرفتاری‌هایی می‌دیدند که دامن گیر آنها و جوامعشان شده بود.

اشتیاق به توسعه یا تمایل به عدالت، قبله‌های شناخته شده خود را داشت و طریق سومی هم برای کسی متصور نبود که به آزادی و رفاه و در عین حال عدالت و معنویت بینجامد.

نزاع بین طرفداران سوسیالیسم و لیبرالیسم با این استدلال که در سوسیالیسم آزادی لیبرالیسم و در لیبرالیسم عدالت سوسیالیسم یافت نمی‌شود، جدال ذهنی و قلمی روشنفکران و مخالفان بی تفاوتی را به خود مشغول داشته بود و در این میان توده‌های میلیونی مردم، فارغ و برکنار از ایسم‌گرایی‌های رایج، عمر گران‌مایه خویش را در بازدهی نازل و کارآیی نامقبول سپری می‌کردند و گشایش‌رهایی‌بخشی را، در چشم‌انداز آمال و آرزوهای خویش نمی‌یافتند.

در چنین وضعی استاد مطهری در قامت یک مجتهد متفکر و اسلام‌شناس متعهد و فیلسوف متعبد، که هم از غلبه ایسم‌های رایج در رنج بود و هم از انفعال عمده تحصیل‌کردگان و روشنفکران نمایان در بحال مذهب‌های فکری برخوردار از هژمونی، در حسرت و در عین حال در غربت عملیاتی‌شان سستیم، ای عقیدتی و اخلاقی و تشریعی اسلام آرزوی تنویر افکار عمومی و مبارزه عالمانه و توفیق‌دهنده داد، همگان، به خصوص متفعلان را همراه با ترویج و تبیین و روشنگری اسلام برای پیروان آن داشت. تلاش‌های درخور و ارزشمندی را عملیاتی کرد. باشد تا از آن رنج تاریخی بکاهد و بر آن حجاب نانکا مهر پایان بزند و آن حسرت معطوف به خودکم‌بینی را به چالش بخواند و به افق ناسی شناخت و یقین منخومه نماید.

آری مطهری در چنین دورانی، گذار عمر بابرکت خویش را معطوف نیل به چنین اهداف و آرمان‌هایی نمود و در عمده عرصه‌های علمی، از جمله اقتصاد، به تلاش‌ها و اقدامات تعلیمی و ترویجی متناسب با مخاطبان خویش همت گماشت. در موعظه‌ها و سخنرانی‌ها و سماع‌های اندیشید و محصول تأملات خود را که پاره‌ای از آنها هنوز کاملاً بدیع و تازه و نوید ارزانی رهسپاران در ادراک معارف اسلامی نمود و در این طریق از قابلیت عقلانیت انسان بیشتر بهره را گرفت و انصافاً موفق شد تا در حیات و ممات خویش، ذهنیت‌های بسیاری را با استدلال و برهان و تبیین مندرج در کلام و مکتوب خویش، با معارف عقلی و نقلی مواجهه و به آنها مشغول بدارد و رهنمون به طریق هدایت باشد.

۲. این گونه به نظر می‌رسد که انتخاب مباحثی که ایشان در اقتصاد به آنها پرداخته‌اند کاملاً گزینشی و بر اساس مسئله و نیاز آن روزگار بوده است؛ لذا موضوعاتی همچون زهد و درآمد و ثروت مورد توجه وی قرار داشته است استاد بر آن است که خصیصه ایدئال‌جویی و کمال مطلوب‌خواهی انسان به گونه‌ای است که وی را در جست‌وجوی چیزی قرار می‌دهد که آن چیز

همه آرمان او شود و منتهای آرزویش قرار گیرد. این ویژگی به گونه‌ای است که چنانچه انسان هدایت نشود، یا از خود مراقبت نکند ارتباط و علاقه او به اشیا را به تعلق و وابستگی تغییر شکل می‌دهد و با استحاله وسیله به هدف، رابطه را به صورت بند و زنجیر درمی‌آورد. اسلام برای اینکه چنین پدیده‌ای واقع نشود با دعوت انسان به زهد و هم‌زمان توصیه وی به تولید ثروت از یک طرف ایفای مسئولیت‌های الهی و اجتماعی وی را محل تأکید و یادآوری قرار می‌دهد و از طرف دیگر ابزارهای مادی لازم برای پرداختن به امور معنوی و متناسب با ارزش‌های معنوی و آخرتی را به‌عنوان وسیله در اختیارش قرار می‌دهد. این تمهید موجب ایجاد رابطه‌ای بین انسان زاهد و دنیا شود که در آن دنیا مدرسه انسان و محل تربیت و جایگاه تکامل او خواهد بود.

شهید مطهری - تقد است درآمد مشروع از نظر اسلام درآمدی است که از طرفی محصول فعالیت شخص باشد. دست‌کم جنبه استثمار نداشته باشد، و از طرف دیگر از لحاظ مصرف، قابلیت مصرف شدن مشروع و مفید را داشته باشد و به اصطلاح فقها، جنس مورد معامله دارای «منفعت محلله مقصوده» باشد. این در حالی است که اسلام منبع مشروع درآمد را صرف تعامیلات مردم نمی‌شمارد، بلکه علاوه بر مینه تعامیلات و مطلوبیت، موافقت با مصلحت را نیز شرط می‌داند. بر همین اساس، ایشان عواما این‌جی درآمدهای مشروع را کار، سرمایه و عقود شرعی دانسته، در مقابل، کسب بدون تلاش یا کسب از طریق ظلم به دیگران، اغراء به جهل، اغفال، اضلال، غرر، تقویت دشمنان و فعالیت‌های منجر به از بین رفتن عواما سلبی درآمدهای مشروع در اسلام تلقی می‌نماید.

چنین نگرشی به دو مقوله درآمد و ثروت از یک سوی و زهد از سوی دیگر، معطوف به این مهم است که در اندیشه استاد مطهری مساوات و رفع تبعیض یک ارزش اجتماعی محوری است، اما حدود و ثغور آن را ارزش مسلط در فلسفه اجتماعی اسلام (یعنی عدالت) تعیین می‌کند. مساوات ظالمانه به معنای برخورد یکسان با استحقاق‌های متفاوت یا مواجهه متفاوت با استحقاق‌های مشابه (تبعیض ناروا) و عین ظلم است. مساوات ظالمانه نه تنها مخالف قواعد خلقت است، بلکه پیامدهای مخربی بر پویایی اجتماعی و رشد اقتصادی خواهد داشت. در مقابل، مساوات عادلانه رعایت برابری در موضعی است که استحقاق‌های یکسان وجود دارد. یعنی در اسلام معیار تمایز، ارزش‌های واقعی (مانند تقوا، علم و عمل نیک) است و تبعیض بجا تنها زمانی موجه است که ناشی از این موازن باشد. در نتیجه ویژگی‌های قومی، نژادی، زبانی، خانوادگی و طبقاتی عامل توجیه تبعیض به‌شمار نمی‌روند. آخرین حوزه حاکمیت مساوات،

برابری تمام افراد در برابر قانون عام است.

استاد مطهری عدالت اقتصادی - اجتماعی را به دو اصل رعایت حقوق و توازن برمی گرداند. منظور از حقوق، حقوق طبیعی است نه حقوق وضعی که خود باید با معیار عدالت سنجیده شود. از نظر استاد، حقوق طبیعی، حقوقی است که آفرینش برای موجودات بر اساس هدفداری قرار داده است. موجودات برای رسیدن به اهدافی که همان کمال آنهاست خلق شده اند و استعدادهایی که آفرینش در موجودات قرار داده، همان حقوق طبیعی آنهاست. عادلانه بودن حقوق وضعی در مطابقت و سازگاری آنها با حقوق طبیعی است و رعایت حقوق قانونی سازگار با حقوق طبیعی. مرحله اجرایی عدالت است. بر اساس علیم و حکیم بودن خداوند، ایشان احکام شرعی را سازگار با حقوق طبیعی می دانند و بر آن هستند که رعایت آنها تحقق عدالت را تضمین می کند. از نظر ایشان، تمام افراد در حقوق طبیعی و در امکانات و فرصت ها، نه در نتایج و دستاوردها، برابرند. برای دستیابی و دستاوردها در مسابقه ای صحیح (بدون تبعیض و فقط بر اساس استعداد، تلاش و مهارت افراد) تعیین می شود. نابرابری هایی که ناشی از امتیازات موهوم (غیر مبتنی بر حقوق طبیعی) و تبعیض ناشد موجب است. با این حال، اگر نابرابری ها در جامعه بسیار زیاد باشد می تواند موجب سلب برخی از دیگران شود و این، هم ظلم است و هم با اصل هدف داری، منافات دارد.

استاد در مواجهه با نابرابری های شدید به اصل توازن، تسک می جوید که مستلزم کنترل و کاهش نابرابری های شدید است. از این روی توسعه دیدگاه استاد مطهری مستلزم ژرف کاوی در حقوق طبیعی و مبنای آن، جایگاه عقل و اصل عدالت در است. باطن حکام، تدقیق اصل توازن و ارائه شاخص برای آن، و تعیین جایگاه عدالت در منظومه ارزش اجتماعی است. نکته بسیار مهم آن است که از مجموعه آثار استاد چنین برمی آید که ایشان منظومه فکری منسجم و نظام مندی در حوزه عدالت دارند؛ به این معنا که تحقق عدالت سبب توازن به داشتن یک نگاه سیستمی است؛ یعنی لازم است مجموعه ای از عوامل در کنار یکدیگر قرار گرفته، به صورت نظام مند وظایف خویش را انجام دهند تا برآیند آثار آنها به تحقق عدالت در جامعه منجر شود. برخی از این عوامل عبارت از قوانین حقوقی عادلانه، قوانین قضایی و مجازات برای متخلفان، گسترش معنویت در جامعه و ایجاد نظارت درونی در افراد، اجرای امر به معروف و نهی از منکر، و حسن اجرای کارگزاران حکومتی می باشند. اگر این عوامل در کنار یکدیگر قرار گیرند می توانند منجر به ایجاد عدالت در جامعه شوند. نکته قابل توجه در این خصوص اهمیت هر یک

از این عوامل است به نحوی که حتی اگر یکی از آن‌ها وجود نداشته باشد، نمی‌توان به خاطر نقصان در عناصر سیستم، انتظار تحقق عدالت را داشت.

نگرش سیستمی استاد به امور، موجبات قائل شدن وی به نظام اقتصادی اسلام را فراهم کرد و سبب شد در یک مقایسه تطبیقی با سایر نظام‌های اقتصادی در نهادهایی همچون مالکیت، ارث، اختلاف افراد در ثروت و مالکیت، ربا و تشکیل کارتل و تراست، ضمن تأیید مزایای نظام‌های سرمایه‌داری و سوسیالیسم، موارد ضعف آنها را رد نماید و نشان دهد که نظام اقتصادی اسلام نسبت به هر نظام مذکور چارچوب بهتری را برای پیشرفت دنیوی و اخروی بشر ارائه می‌کند. استاد در تأمل در خصوص نهاد مالکیت بر ماشین آلات به حق پیش‌گام تأمل عمیق در موضوع مالکیت ماشین آلات صنعتی بوده است. ایشان دخالت ماشین در صنعت را مشخصه اصلی سرمایه‌داری و در عداد مسائل مستحدثه فقهی می‌داند و آغازگر اجتهاد درباره شناخت ماهیت، عوارض و حکم مالکیت آن است. او معتقد است (همان‌طور که در یادداشت‌های ایشان که پس از شهادت وی منتشر شده آمده است) در حالی که در دنیای قدیم تولیدکننده اصلی انسان بود و ابزار آلات تولید، کمک کار او بود، در عصر جدید ماشین آلات صنعتی جانشین انسان شده و ماهیتاً به تولیدکننده اصلی بدل شده است و چون به زعم استاد، اختراع ماشین حاصل نبوغ جامعه انسانی در امتداد تاریخ است، عدالت اقتصادی کند مالکیت آن به اجتماع تعلق داشته باشد. بدین ترتیب در حالی که مارکس می‌کوشد مالکیت اجتماعی ماشین را از راه ارزش اضافی و در چارچوب نظریه جبر تاریخی اثبات کند این گونه ارتباط می‌شود که شهید مطهری با تکیه بر اندیشه عدالت، معتقد به لزوم مالکیت اجتماعی ماشین آلات است.

علاوه بر آنچه آمد، استاد درباره مفهوم عمیق‌تری در اقتصاد که «ارزش» نامیده می‌شود و با قیمت در ارتباط است تأملاتی داشته‌اند. ارزش و قیمت دو نمونه رفد مهم‌ترین عنوان‌های اقتصادی‌اند که از نخستین روزهای شکل‌گیری علم اقتصاد (و حتی قبل از آن)، مطرح بوده‌اند. با وجود ریشه‌داری این موضوع حتی از زمان ارسطو، گستره بحث در زمان کلاسیک‌ها قابل ملاحظه است. مکتب‌های منتقد کلاسیک‌ها، به ویژه سوسیالیست‌ها، هرچند در ظاهر به نقد ارزش کار کلاسیک پرداختند، اما نظریه ارزش کار خود را بر اساس همان ساختند. استاد مطهری از معدود دانشمندان دینی است که به توصیف و بررسی ارزش و قیمت پرداخته است.

پرداختن به بعضی از مسائل و پدیده‌های اقتصادی دیگر مورد ابتلا جامعه که با پول و بانک و ربا سر و کار داشت نیز از جمله دیگر مقولاتی است مبانی فقهی آنها مورد کاوش استاد واقع شده است.

شرایط معاملات و عوضین بیع نسیه (نسیه) و للاجل قسط من الثمن، مقایسه بیع نسیه (نسیه) و ربا، تفاوت قرض و نسیه، بیع و حیل ربا، صرافی، بیع صرف، بیع برات، و خرید و فروش ارز و اسکناس از این موارد است. اما در بین این مجموعه موارد، موضوع ربا به نحو تفصیلی تری مورد تأمل و بررسی استاد واقع شده است.

ایشان همچون سایر فقها ربا را به معنای زیاده گرفته است و آن را به ربای معاملی و قرضی تفکیک کرده و ربای قرضی را زیاده مشروط در قرارداد قرض و ربای معاملی را زیاده در مبادله دو کالای هم جنس معرفی می کند. البته حرمت ربای معاملی را به منظور حفظ حریم حرمت ربای قرضی می داند. ایشان همانند عموم فقها ربا را اعم از تولیدی و مصرفی می داند. با وجود این معتقد است آثار ربا در ربای تولیدی خفیف تر است و وسیله ای است برای اینکه سرمایه داری مدتی دیگر به نفع خود ادامه دهد. به تبع مسئله مزبور، باید تفکیکی بین ماهیت بهره و ربا قائل نشد. بهره را همان ربا بدانند. شهید مطهری در تفاوت ربا و بیع نسیه، با این نکته که به دلیل ارزش زمان و للاجل قسط من الثمن، قیمت نسیه بیشتر از قیمت نقد است مخالفت می کند و معتقد است اگر از این ایش قیمت در نسیه به دلیل اختیار مالک در فروش کالای خود به هر قیمت که تمایل دارد است. ایشان حیل و راه های فرار از ربا را به صورت کلی نمی پذیرد و معتقد است با اجرای حیل، ماهیت ربا و فلسفه آن، یعنی ظلم و ترک تجارت ناشی از آن همچنان پابرجاست. به عبارت دیگر اجرای حیل مانع از اجرای هدف شارع است. با حرمت ربا شارع می خواهد این نوع فعالیت اقتصادی را باطل کند. در حالی که حیل آن را زنده می کند. استاد در تعمیم حرمت ربا آن قدر اصرار دارد که از تکرار در قرض ربوی برای هزینه های زندگی را نیز نمی پذیرد و معتقد است اطلاق ادله حرمت ربا شامل این نوع ربا هم می شود. ایشان کارمزد در مقابل عمل قرض را از نظر فنی خالی از اشکال می داند، ولی، احتیاط می کند و می گوید بعید نیست اخذ اجرت در مقابل عمل قرض به عنوان ربا، تحریم شده باشد.

به این ترتیب بدیهی است که استاد فعالیت های بانکی در بانکداری سنتی را که اساس آن بر قرض ربوی استوار است ربوی دانسته و راه حل آن را در به کارگیری عقود شرعی بدانند. ایشان معتقد است می توان، نه تنها در جوامع اسلامی، بلکه در کشورهای غیر اسلامی نیز بانکداری بدون ربا را محقق کرد.

غمگانه باید روایت کرد که به رغم این همه مفاهیم اقتصادی ذی مدخل در ساختار نظام

اقتصادی اسلام، واقعیت تلخ روزگار مطهری از حیث فقدان حضور اقتصاددانان علاقه‌مند به بررسی روابط بین دین و اقتصاد به گونه‌ای است که ندهای آن متفکر بزرگ اسلامی پژواک داده نشد و او با اینکه یک‌تنه به مباحث اقتصادی بسیاری پرداخت لیکن به خاطر عدم حضور اقتصاددانان ذی‌علاقه، امکان دسته‌بندی و تفکیک گفته‌ها و نوشته‌هایش، منطبق با ضوابط مرسوم و متعارف دانشگاهی فراهم نشد و این مهم ادراک نگردید که آنچه او می‌گوید درواقع قطعانی از مجموعه‌ای است که نظام اقتصادی اسلام را معرفی می‌نماید.

دهه بی‌بی که ما در حال تجربه آن هستیم (دهه آخر قرن چهاردهم شمسی) تغییرات عمیق و ژرفی در مباحث فلسفی، دامنه قلمرو دانش و علوم و فنون، مطالعات اقتصاد اسلامی و اقتصاد ارتباطی و تحولات در جغرافیای سیاسی جهان، رویکردهای اقتصادی - اجتماعی به خود دیده است. در کشور ما، که فضای فعالیت‌های عالمانه استاد مطهری بوده، نظام سیاسی جدیدی با رویکرد تحقق اندیشه‌های اسلامی و متجلی شدن در قالب نظام سیاسی اسلام پذیرفته و تحقق یافته است و با فروپاشی نظام‌های سیاسی اقتصادی مبتنی بر «جمع‌گرایی» سبک سرآمد به پایان رسیده است؛ در یک کلام، دنیای تا حدود بسیاری متفاوت از دنیای زیست آن دانشمند عالی‌مقام به وجود آمده است. امروز توجه به اندیشه‌ها و نگرش‌های دینی به روضات اقتصادی پررنگ‌تر از گذشته است. مجلات و کتب بسیاری منتشر شده و می‌شوند و آموزش و موضوعات پژوهشی زیادی دایر و فعال است. اقتصاددانان علاقه‌مند به بررسی روابط بین اسلام و اقتصاد فراوان شده‌اند و این واقعیت‌ها، هرچند تا زمانی که اقتصاد دینی را در قالب یک پارادایم برخوردار از هژمونی برای کشور درآورند به زمان معتناهی نیاز دارند. لیکن خود ضمن اینکه حاکی از رونق توجه به دین و اقتصاد آن است، در عین حال از تهدیدی هم رنج می‌برد که همانا کاستی در فلسفیدن و نقصان در اندیشیدن از حیثی است که استاد مطهری واجد و نماینده آن بودند.

ما امروز با تهدید ناشی از غلبه لیبرالیسم اقتصادی در کنار مغلوبیت راهکارهای اقتصادی معطوف به دین، مواجهیم. عمده آنان که امروز اقتصاد می‌دانند نگاه فلسفی به اقتصاد ندارند و تحت‌الشعاع تجربی بودن علم اقتصاد از آموزه‌های کلامی یا تشریعی و یا اخلاقی اسلام انتظار ارائه ادبیاتی به سبک و سیاق ادبیات اقتصادی مبتنی بر لیبرالیسم

اقتصادی و فردگرایی روش‌شناختی آن را دارند و کمتر متوجه آن هستند که ناخواسته از دین مواردی را می‌طلبند که اصولاً با اثباتات انتظاری آنان سازگاری ندارد.

این نسل از اقتصاددانان نه دوره تأملات استاد مطهری را تجربه کرده‌اند و نه به ویژگی‌های منحصر به فرد او آراسته‌اند تا بتوانند اینک که غربت طرح مباحث اقتصادی دین ظاهراً امکان‌بلا موضوع شدن را یافته است با ادراک نقاط تماس و واقع‌گرای موضوعات دینی و مباحث اقتصادی، در تعمیق و بسط باورهای دینی در موضوعات اقتصادی بکوشند و نظام اقتصادی اسلام را تدوین و برای عملیاتی شدن از امکان پشتیبانی فلسفی و وحیانی برخوردار سازند.

ضروری ندانستن تفکیک بین «نظام اقتصادی» و «علم اقتصاد» و بی‌توجهی به ربط وثیق بین علم اقتصاد با نظام اقتصادی معطوف به آن و اینکه هر نظام اقتصادی از آنجایی که با تأثیرگذاری بر رفتارهای اقتصادی به تولید نظریه‌های متناسبی منجر می‌شود موجب گردیده است که بعضی از حتی اقتصاددانان ذی‌علاقه به ورود به مباحث دینی در اقتصاد، از نظام اقتصادی سرمایه‌داری انتظار ارائه علم اقتصاد اسلامی را داشته باشند، یا انتظار ببرند که نظام اقتصادی اسلام، مبتنی بر مقبلیت برخوردار باشد که با موازین علم اقتصاد متعارف، که به لحاظ دقت به فیزیک سوم اجتماعی مشهور است سازگار باشد. به عبارت دیگر روزگار ما، دوران خلط مفادیم اقتصادی در ارتباط بین دین و اقتصاد شده است و به نظر ما این آسیب، عمدتاً ریشه در فقدان تأمل فلسفی در اقتصاد دارد و حاکی از کاستی‌های معرفت‌شناسی در دانش محققان اقتصادی است. کاری که استاد مطهری در زمان خویش به آن پرداخت اما همان‌طور که آمد، رتالی یافت و امروز هم که به آن نیازمندیم به دلیل تلقی حاکمیت بلامنازع لیبرالیسم و منفی‌گرایی در قبال آن، بعضاً سر از استحاله مفهومی درمی‌آورد و یا به لحاظ علمی بی‌اعتبار قلمداد می‌گردد.

درست است که امروز کثرت عالمان دینی ذی‌علاقه به اقتصاد و فراوانی قابل‌اعتنا آنان، مطلوبیت پرداختن به مباحث عقلی اقتصاد و بررسی و نقد آن را از موضوعیت مهمی برخوردار کرده است اما این نگرانی را هم ممکن است دامن زده باشد که محققانی ناخواسته دین را «محلل» تمامی کارکردهای اقتصاد سرمایه‌داری بنمایند.

۴. در این مجموعه که عهده‌دار تبیین اندیشه‌های اقتصادی استاد مطهری است تلاش شده است تا با دعوت از اقتصاددانان ذی‌علاقه به اقتصاد اسلامی، پیوند عالمانه‌ای از

محتوای ادراک و اندیشه اقتصادی استاد مطهری درباره موضوعات مختلف را، به قلم آنان به نگارش درآورد. به عبارت دیگر در این مجموعه موضوعات مورد نظر زمان استاد، به سبک و روش این زمان اقتصاددانان، در قالب متون علمی مرسوم رقم خورده است تا ضمن قابل استفاده بودن برای مجموعه کسانی که با مفاهیم و اصطلاحات اقتصادی امروز آشنایی دارند در عین حال امکان ترجمه و فهم و ادراک اندیشه‌های اقتصادی یک عالم متفکر و بزرگ دینی برای اساتید و محققان غیر فارسی زبان هم فراهم گردد.

در این مجموعه ارائه سامان یافته و نظام‌وار اندیشه و تفکرات استاد درباره اقتصاد به گونه‌ای که کمال، اتقان، تنقیح و سازگاری در هریک از موضوعات در کنار هم بنشینند پیگیری و تعقیب گردیده است. از نویسندگان محترم درخواست شده بود متن را مطابق شیوه‌نامه از مشخص که به آن‌ها تقدیم شد بنویسند و بر آن باشند که نوشته‌ای حاکی از اندیشه‌های اقتصادی است و نه مکتوبی آزاد که در آن به اندیشه ایشان هم اشاره شده باشد نگارش نمایند. یسوی بنا بر آن بوده است که با استفاده از مطالب و مکتوبات استاد مطهری، ساختار مطالب کاملاً استاد ایشان ساماندهی و اجرایی شود.

اینک حاصل کار آن محققان ارجمند که در کدامشان با رضایتی معنوی و به رغم مشغله علمی با استقبال و اشتیاق، متن مهیا شده برای نگارش را تدوین و تبیین کردند تقدیم خوانندگان گرامی می‌شود.

بدیهی است هماهنگی و سنخیت و میزان اتقان و رفاه مکتوبات، علاوه بر آنکه تحت تأثیر شخصیت نویسنده آن بوده است به نوع نگارش و رویکرد و تفکر و اندازه تأمل صاحب اندیشه هم برمی‌گردد که در مکتوبات ناظر به درران زندگی استاد مطهری، وجود داشته و نویسندگان محترم به آنها دسترسی یافته‌اند. طبیعی است با وجود و مجاهدت اساتید بزرگوار نویسنده، آنچه تدوین گردیده خالی از امکان تکمیل شدن و تحلیل بیشتر نیست و حتی عناوین بیشتری هم علاوه بر عناوین به نگارش آمده موجود و وجود دارند که به بعضی از آنها - به دلایلی که از جمله آن آماده نشدن متنی درخور ایفای رسالت تبیین اندیشه‌های اقتصادی استاد بوده است - پرداخته‌ایم. این کاستی ان شاء الله تا چاپ‌های بعدی، مشمول پژوهش‌های بیشتری واقع و جبران خواهد شد.

بسر خود لازم می‌دانم از عنایت بنیاد علمی و فرهنگی استاد شهید علامه مرتضی مطهری که اجرای این مهم را به اینجانب سپرد و همچنین از لطف اساتید بزرگوار حوزه

و دانشگاه که نگارش درباره مطالب تعیین شده را عهده‌دار شدند تشکر و قدردانی نمایم و آرزو کنم که خداوند متعال به برکت اخلاص و صدق آن علامه جاوید، این مجموعه مستند به اندیشه‌های اقتصادی وی را به مثابه گام بلندی در مسیر اعتلای اقتصاد اسلامی محسوب و مقرر بدارد.

حسن سبحانی

استاد دانشگاه تهران

اسفندماه ۱۳۹۳

www.ketab.ir